

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۹

## در افغانستان، سیاست یعنی دروغ، فریبکاری و ...!

چهارشنبه- ۰۳ میزان ۱۳۹۸ - کابل: یادداشت امروز را به تعریف مختصری از سیاست و معنایی که در افغانستان یافته است اختصاص داده ام.

۱- "سیاست در لغت به معنای حکومت کردن و اداره کردن و تدبیرکردن و همچنین تشبیه و مجازات است، ولی واژه "پولیتیک" فرانسه یا معادل انگلیسی آن که ما اصطلاح سیاست را مقابل آن به کار می بریم به معنای دیپلماسی و "فن حکومت کردن" است" - فرهنگ جامع سیاسی- محمود طلوعی- چاپ دوم ۱۳۷۷ - صفحه ۵۷۸

به علاوه تعریفی که در بالا آورده شد، تعاریفات دیگری نیز در مورد سیاست وجود دارد که از همه مهمتر آن را "فشرده اقتصاد" معرفی نمودن می باشد. این علم که سابقه تدوین آن به افلاطون و کتاب معروفش "جمهوری افلاطون" می رسد و می شود گفت به مثابه برخی از روش و عملکرد انسانی از نخستین روزهایی که انسان قادر شد خط تمایز بین خود و سایر حیوانات را در رفتار و کردارش مشخص بسازد وجود داشته و حتا خود بخشی از آن خط تمایز بوده، در این اواخر چه در افغانستان و چه هم در سطح جهان تعابیر جدیدی پیدا نموده که به جرأت می توان نوشت نه عقل افلاطون به آن می رسیده و نه هم از ارسطو و بقیه جانشینان مدنی آنها.

در این معنا و تعبیر سیاست، یعنی دروغگوئی، فریبکاری، خر ساختن مردم، چاپیدن مال و منال مردم، سرقت دارائی های ملی و شخصی، خیانت به وطن و هموطن، زیر پای نمودن تمام سجایای اخلاقی پذیرفته شده بشری که در طول تاریخ شکل گرفته اند، در یک کلام سیاست یعنی کثافت و کثافتکاری. تنزل سیاست از یک علم تدبیر امور به فن فریب مردم آنقدر زیاد و گسترده گردیده که می باید در هر حرکتی چپ و راست، راست و دروغ، دوستی و دشمنی آن را همزمان از نظر دور نداشت. چنانچه:

۲- امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم که "حامدکرزی" یارغار دیروز "غنی احمدزی" یعنی کسی که به استناد نوشته ها و گفته های مشاور امنیت ملی اش داکتر "رنگین سپنتا" و "نیل" رئیس ریاست "امنیت ضد ملی" حین انتخابات کذائی ۲۰۱۴ با تقلب آشکار "غنی احمدزی" را افسار بسته با انداختنش به پای راکبان استعماری، وی را مرکب گزیده اعلام داشت، جمعی از قومندان ها و رهبران جهادی من جمله "سید حامد گیلانی، اسماعیل خان، معلم عطاء یونس قانونی، خرم" و ده ها تن دیگر را به دور خود جمع نموده، مشترکاً اعلامیه صادر نمودند و از قدرت های اشغالگر خواستند تا مانع انتخابات کذائی ۶ میزان شده، نگذارند افغانستان زیر نام انتخابات به یک بحران جدید فرو

غلند. به علاوه خود پیشنهاد رفتن پای مصالحه را داده، آن را به شرکت در انتخابات ارجحیت بخشیده، تلویحاً از مردم خواستند تا در انتخابات کذائی شرکت نوزند.

از آن جایی که سیاست در افغانستان دیگر مطلقاً به مردم فریبی و دروغ عجین گردیده، این حرکت "حامدکرزی" و شرکاء می تواند از دو جهت مورد مطالعه قرار گیرد:

الف- جهت اول آن است که آنها خود را با خواستهای "خلیلزاد" هماهنگ ساخته و مجدداً همان نغمه چندی قبل "خلیلزاد" را که رجحان مصالحه نسبت به انتخابات بود، سرداده اند و واقعاً خواستار جلوگیری از انتخابات و آغاز مذاکره با طالب هستند.

ب- جهت دیگر این قضیه آن است که "حامدکرزی" در ظاهر از در دشمنی با "غنی احمدزی" وارد میدان شده، اما در واقعیت امر در همان مسیری گام می گذارد که قبلاً توسط "غنی احمدزی" نقطه گذاری و به وسیله "حنیف اتمر" پیموده شده بود. یعنی راه تجزیه قاطع جمعیت اسلامی و شورای نظار و منصرف ساختن آنها از همکاری با "عبدالله عبدالمود".

ترکیب افرادی که اکنون به دور "حامدکرزی" جمع شده اند و عمدتاً سابقه جمعیتی و یا اتحاد با جمعیت را دارا هستند، وقتی در کنار حمایت تقلبکارانه "حامدکرزی" در سال ۲۰۱۴ در کنار هم گذاشته می شوند، فلک نمی تواند حکم صادر کند، که "کرزی" می خواهد چه کند، مانع سقوط آزاد "خلیلزاد" شود و یا "غنی احمدزی" را کمک نماید.

هموطنان گرامی!

این نکته هم منتفی نیست که هر دو پروسه متمم یک دیگر باشند.

**سرکها ما را می طلبید!!**